



سوم سپتمبر 2021

داکتر سید عبدالله کاظم

## امریکا بار دیگر اشتباه بزرگ را در افغانستان تکرار کرد!

(قسمت چهارم و آخر)

### چرا اشرف غنی بدون اعلام استعفی به خارج فرار کرد؟

فشارهای آشکار و نهان امریکا در دوره ترامپ و ادامه آن در دوره بایدن بر دولت افغانستان تا سرحد اجبار به استعفی رئیس جمهور غنی و ایجاد حکومت انتقالی صریحاً مغایر با قانون اساسی نافذ کشور بود از یکطرف و تعیین دقیق تاریخ خروج قوای امریکائی و ناتو در 31 اگست از طرف دیگر، دولت افغانستان و بخصوص شخص اشرف غنی را در یک موقعیت دشوار سیاسی قرار داد. اشرف غنی در مکالمه تلفونی با بایدن که بتاريخ 23 جولای یعنی یکماه قبل از سقوط کابل بدست طالبان صورت گرفت، به صراحت به مشکل اساسی افغانستان اشاره کرد و گفت: «ما با اشغال تمام عیار توسط نیروهای متشکل از طالبان، برنامه ریزی عملیاتی و تدارکاتی پاکستان و دست کم پانزده هزار تروریست بین المللی، عمدتاً پاکستانی، مواجهیم و لازم است این جنبه از موضوع نیز در نظر گرفته شود.» ولی بایدن به این نکته مهم توجه نکرد.

اشرف غنی با آنکه از سالها قبل دست پرورده امریکا بود، اما با وارد شدن این فشارها در برابرخواست امریکا مقاومت کرد، تا آنکه پیشرفت سریع و برق آسای طالبان را در ولایات و شهرهای بزرگ کشور بدون مقاومت اردو و ادارات محل شاهد و ناظر شد، بخصوص وقتیکه دید طالبان در دروازه های کابل رسیده اند، برایش فقط دو امکان وجود داشت: یکی اینکه در کابل به مقابل طالبان به مقاومت نظامی بپردازد، طوریکه به بلینکن وزیر خارجه امریکا یک روز قبل وعده داده و گفته بود که: «تا آخرین گلوله با طالبان خواهد جنگید» و یا اینکه مجبور به فرار و ترک وطن شود.

امکان اول الذکر به دلیل از هم پاشیدگی اردو و عدم توانائی مقاومت لازم در برابر طالبان از یکطرف و نیز خطر ویرانی و تلفات انسانی ناشی از مقاومت و جنگ از طرف دیگر و در عین زمان در صورت شکست قوای دولت در جنگ و اشغال کابل پس از جنگ احتمال کشته شدن و یا اسیر شدن اشرف غنی بدست طالبان مثل داکتر نجیب متصور بود و در نتیجه این شکست و اعدام غنی، موضوع خلای قدرت مطرح میگردد که از آن طریق زمینه قانونی کسب مشروعیت را برای رژیم طالبان فراهم می ساخت. هرگاه اشرف غنی در همان موقع رسماً از ریاست جمهوری استعفی میداد سپس ترک وطن میکرد، با جانشینی معاون اول ریاست جمهوری امرالله صالح (برطبق ماده 67 قانون اساسی) که سخت مخالف طالبان و پاکستان بود، احتمال ادامه جنگ با طالبان متصور بود و نتیجه آن جز ویرانی و خونریزی چیزی دیگر بوده نمیتوانست. لذا اشرف غنی تصمیم گرفت فرار را بر قرار ترجیح دهد و وطن را در همان روز 15 اگست ترک کند. اینجاست که او با اینکار توانست موقف قانونی خود را به حیث رئیس جمهوری فراری در خارج کشور حفظ نماید و از خلای قدرت که وسیله مشروعیت بخشیدن به رژیم طالبان می شد، قانوناً جلوگیری کند.

علاوتاً فرار غیرمترقب اشرف غنی به خارج موجب شد تا دو رویداد مهم دیگر نیز همزمان پدید آید: یکی ناگزیر شدن طالبان بدون آمادگی قبلی برای ورود به کابل، زیرا آنها با توافق امریکا در نظر داشتند تا برای مدتی یکی دوماه و یا بیشتر در حواشی کابل مستقر شوند و برای آینده خود آمادگی لازم بگیرند و دیگر امریکائی ها و ناتو در عین زمان میتوانستند با خاطر آسوده به اكمال مراحل خروج قوای نظامی و همکاران افغانی خود از افغانستان در موقع معینه بدون کدام مشکل بپردازند. فرار اشرف غنی این دو موضوع را که قبلاً پلان شده بود، دفعتاً با یک سردرگمی عظیم هم برای طالبان و هم برای امریکا ایجاد کرد. فرار اشرف غنی در واقع سیلی محکمی بود که به روی اداره بایدن و طالبان خورد و هر دو را با یک وضع حساس و غیرمترقب در افغانستان رو برو ساخت و به گفته بعضی ها انتقام فشارهای وارده را از هردو گرفت. چنانچه موضوع هجوم آبی هزارها نفر به میدان هوایی کابل برای خروج از

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ

کشور نه تنها برای امریکائی ها و ناتو درد سر بزرگ ایجاد کرد و منتج به انتقادات وسیع در امریکا علیه رئیس جمهور بایدن گردید، بلکه هجوم وسیع مردم به مقصد ترک وطن درحقیقت نشانه ای از نارضایتی مردم از تسلط طالبان پنداشته شد. همچنان عکس العمل مردم در برابر بیرق طالبان و دفاع از بیرق سه رنگ ملی در بسیاری نقاط افغانستان به این نارضایتی وجه یک اعتراض مدنی را علیه طالبان بار آورد. در این میان حادثه انفجار انتحاری مرگبار روز 26 اگست در میدان هوائی کابل که در اثر آن صدها تن کشته و زخمی شدند و مسئولیت آنرا داعش بعهدہ گرفت، رویداد مهم دیگری بود که طالبان و جامعه جهانی را سخت تکان داد و از روی این واقعیت تلخ پرده برداشت که با خروج عاجل قوای امریکائی و ناتو و همزمان با پخش سلطه طالبان، افغانستان بار دیگر به عقب برگشته و دست آوردهای نسبی بیست ساله کشور در ساحات مختلف که با مصارف گزاف و ریختن خونهای زیاد به وجود آمده بود، به یکبارگی در کام نابودی فرو رفت و نیز احتمال مجدد مبدل شدن افغانستان به لانه تروریستهای متعصب و متحجربیش از پیش تقویه گردید.

قضاوت در داخل و خارج کشور درباره فرار اشرف غنی متفاوت است: بعضی ها اینکار را خیانت به مردم و وطن میدانند و آنرا عامل سقوط کابل بدست طالبان می پندارند و اما بعضی دیگر فرار غیرمترقب او را یک چلنج سیاسی و یک عکس العمل به مقابل فشارهای وارده از جانب امریکا مبنی برکنار زدنش از قدرت تعبیر میکنند و نیز مواجه ساختن فوری طالبان بدون آمادگی لازم غرض ورود به کابل. اما خودش دلیل خروج خود را از کابل همانا جلوگیری از تقابل نظامی با طالبان بیان میدارد تا موجب خونریزی و ویرانی در شهر نگردد. بعضی مقامات امریکائی به شمول رئیس جمهور بایدن از فرار غنی سخت متأثر و براو انتقاد میکنند. در این موقع که احساسات همه طغیانی است، بهتر خواهد بود قضاوت به این موضوع را تا آشکار شدن بیشتر حقایق موکول کرد.

#### موقف نامعلوم طالبان در برابر قانون اساسی:

تا زمانیکه طالبان (اکنون به حیث یک قوه ای نظامی مسلط بر افغانستان) قانون اساسی موجود کشور را رسماً ملغی اعلام نکرده اند، این قانون اساسی نافذ بوده و اجراءات دولت برطبق آن مرعی میباشد. به این اساس وقتی رئیس جمهور غنی بدون آنکه نخست رسماً استعفی دهد، وطن را به هر دلیلی که بوده ترک کرد، از نظر قانونی باز هم مقامش محفوظ میباشد. اکنون تا وقتیکه او بنابر هر دلیل استعفی نکرده است، نامیدن او به حیث "رئیس جمهور اسبق" مغایر به قانون اساسی نافذ کشور است و تا آنوقت امر الله صالح خود را بر طبق قانون اساسی خود قایم مقام او اعلام کند، نیز، مغایرت با قانون اساسی دارد. امر الله صالح وقتی میتواند به این مقام دست یابد آنهم برای مدت مشخص مندرج قانون اساسی که سند استعفی رسمی اشرف غنی ارائه گردد. در اینجا باید خاطر نشان کرد که با موجودیت قانون اساسی نافذ کشور، تلاش جامعه جهانی مبنی بر ایجاد یک اداره مؤقت و یا حکومت انتقالی نیز فاقد پایه حقوقی و قانونی میباشد.

با در نظر داشت نکات فوق، اکنون که طالبان در کشور مسلط شده اند، باید نخست اعلام دارند که آیا قانون اساسی موجود را قبول دارند و یا آنرا ملغی اعلان میکنند و یا اینکه بعضی مواد آنرا منسوخ می شمارند. تا وقتیکه اینکار صورت نگیرد، عملاً قانون اساسی موجود مرعی الاجراء و نافذ محسوب میشود و برطبق آن از نظر حقوقی هنوز هم اشرف غنی به حیث رئیس جمهور کشور شناخته میشود، چنانچه پس از سقوط کابل بار اول در سال 1996 بدست طالبان و فرار مسعود و قوایش به پنجشیر، و آواره شده رئیس جمهور ربانی در داخل و خارج کشور، جامعه جهانی موصوف را تا کنفرانس بن در نوامبر 2001 به حیث رئیس جمهور کشور می شناختند، در حالیکه استاد ربانی یک رئیس جمهور فراری و آواره بود، اما نماینده او در ملل متحد و نمایندگی های سیاسی کشورهای دیگر رسمیت داشتند. اکنون نیز عین حالت پدید آمده است، با تفاوت اینکه در آنوقت کشور فاقد قانون اساسی بود و اما اکنون قانون اساسی که جهان بر موجودیت آن اعتراف و انرا به حیث یک وثیقه ملی افغانستان شناخته اند، تا زمانیکه الغای آن از طرف طالبان رسماً اعلام نگردیده است، کما فی السابق مدار اعتبار میباشد و این مسئله مانع مشروعیت قانونی امارت نام نهاد اسلامی طالبان میگردد. از آنجائیکه اعلام لغو قانون اساسی موجود خلای قانونی را در اجراءات امارت اسلامی بار می آورد، بهتر خواهد بود تا طالبان تعدیل بعضی مواد قانون اساسی را که با شرایط جاری وفق ندارد، ذریعه فرمان ملغی قرار دهند.

هنوز از فرار اشرف غنی به خارج یکی دو روزی نگذشته بود که این شایعه از طریق منابع خبری روسیه بدون ارائه سند انتشار یافت که گویا غنی حین فرار مبلغ 169 میلیون دالر را با خود به بیرون کشور برده است. سپس بعضی

د پانوی شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

از مقامات امریکائی نیز با رنجش خاطری که از غنی به دلیل فرار غیرمترقبش داشتند، اعلام کردند که باید این ادعا قانوناً بررسی شود و در صورت صحت باید مبلغ مذکور بازگشت گردد و غنی مورد محاکمه قرار گیرد. واقعاً تعقیب قانونی این موضوع بسیار بجا و لازم است تا صحت و سقم این ادعا ثابت شود و سیاه از سفید جدا گردد. اما اگر منطقاً دیده شود انتقال مبلغ مذکور در یک حالت اضطرار کار ساده نیست که بوسیله یک هلیکوپتر با تعداد چند از همراهان غنی نخست به ازبکستان و سپس به طیاره عادی به قطر صورت گیرد. 169 میلیون دلار را اگر در هر بسته ده هزاری از نوت‌های صد دلره تقسیم کنیم، جمعاً 16900 بسته میشود و انتقال این مقدار بانکنوت دالردر چند بکس ممکن نیست. (والله اعلم)

### مقاومت در دره پنجشیر:

از جمله 34 ولایت افغانستان ولایت پنجشیر یگانه ولایتی است که به طالبان تسلیم نشد و اکنون به یک مرکز مقاومت تحت قوماندانده احمد مسعود پسر شهید احمد شاه مسعود مبدل شده است. در رسانه های جمعی در داخل و خارج کشور مطالب پراکنده در زمینه به نشر میرسد. به هر حال در آینده نه چندان دور ممکن است واقعیت ها را روشن شوند. اکنون ده ها سؤال در این ارتباط مطرح است: از جمله فقدان تجارب سیاسی و نظامی احمد مسعود که مجبور است به نظر کسانی اعم از افغانها و خارجی ها که اکنون او را به میدان کشیده اند، گوش فرا دهد. اینکه آنها هر یک چه فکر میکنند و تا کدام حد امکانات عملی در دست دارند، یک سؤال مهم است. بعضی ها نگران اند که مبادا این بازیها صدمه بزرگ به مردم عادی پنجشیر وارد سازد و موجب ویرانی و قتل و قتل در آنجا گردد. در این میان احمد مسعود از جنگ و یا صلح با طالبان سخن گفته که هر دو راه با دشواری های زیاد توأم است. در شرایط موجود زمینه جنگ با طالبان که ظفر را برای احمد مسعود در قبال داشته باشد، مساعد نیست و کنار آمدن یعنی صلح با طالبان به مثابه رفتن به دهن نهنگ را معنی میدهد، زیرا طالبان هیچگاه با دشمنان سرسخت قبلی خود کنار نمی آیند. امیدوار بودن به کمک روسیه و حتی ایران تحت شرایط موجود نیز عملاً میسر نخواهد بود. روسها میکوشند از طالبان به هدف مقابله با داعش حمایت کنند و ایران نیز از خود مشکلات دیگر دارد. رفتن یونس قانونی، ضیاء مسعود و ولی مسعود با جمعی دیگر به پاکستان و نیز موقوف نامشخص داکتر عبدالله که میکوشد قدرت را به طالبان انتقال دهد و در قبال آن امتیازی بدست آورد، گوشه های دیگری این معضله است که بر موقوف احمد مسعود اثر میگذارد و نباید آنرا نادیده گرفت.

### ابهام در مورد سرنوشت اسلحه بازمانده امریکائی در افغانستان:

بی بی سی به نقل قول از گزارش مفتش خاص باز سازی افغانستان (سیگار) معلومات ذیل را این مورد به نشر سپرده است: نیروی هوایی افغانستان تا پایان جولای سال جاری 167 فروند طیاره وهلی کوپتر داشت. مشخص نیست که چه تعداد از آن به دست طالبان افتاده است. براساس یک منبع تحقیقاتی در دهلی و برویت چند عکس ماهواره فضائی، شش روز پس از سقوط کابل بدست طالبان موجودیت دو فروند هلی کوپتر می-17، دو فروند بلک هاک (یو اچ-60) و یک هلی کوپتر دیگر که ممکن است از همان نوع یو اچ-60 باشد، در میدان هوائی قندهار به مشاهده میرسد، درحالیکه در یک تصویر دیگر از آنجا که بتاریخ 16 جولای گرفته شده است، به تعداد 16 فروند طیاره را نشان میدهد. علت اختلاف در تعداد طیاره های موجود این است که آنها یا از کشور بیرون برده شده یا اینکه از پایگاه هوایی خارج شده اند. طالبان 9 پایگاه هوایی دیگر از جمله در هرات، خوست، قندوز و مزار شریف را تصرف کرده اند که به دلیل نبود تصاویر ماهواره ای مشخص نیست چه تعداد طیاره ها در این پایگاه های بوده اند. بعضی میگویند که تعدادی از طیارات موجود در این پایگاه ها، قبل از رسیدن طالبان از کشور خارج شده بودند. تحلیل تصاویر ماهواره ای از میدان هوائی ترمذ در ازبکستان نشان می دهد که بیش از 24 فروند طیاره در آنجا به نظر میخورد که به عقیده کارشناسان مرکز مطالعات استراتژیک و بین المللی در واشنگتن احتمال دارد این ها متعلق به نیروی هوایی افغانستان بوده باشند.

طبق گزارش دولت آمریکا، بین سال های 2003 تا 2016، این کشور مقدار زیادی وسایل ثقیله نظامی را در اختیار نیروهای افغان قرار داد از جمله: 358530 قبضه سلاح از انواع مختلف که بیش از 64 هزار قبضه ماشیندار، بیش از 25 هزار بمب انداز (خمپاره انداز) و بیش از 22 هزار هاموی در آن شامل بودند. در سال 2017 بیش از 20 هزار تفنگ ام - 16 و از سال 2017 تا 2021 جمعاً 3598 میل تفنگ ام - 4 و 3012 هاموی دیگر در اختیار قوای نظامی افغانستان قرار داده شد. (برای شرح مزید دیده شود: "کدام تسلیحات نظامی امریکایی به دست طالبان افتاده است؟" - بی بی سی - وبسایت فارسی/دري، 8 سنبله 1400 مطابق 30 اگست 2021)

د پانوی شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

مقامات امریکائی اکنون نگران اند که: در نتیجه تسلط طالبان بر افغانستان، به ارزش میلیاردها دلار اسلحه و تجهیزات نظامی امریکایی که در اختیار اردوی افغانستان گذاشته شده بود، حالا تحت کنترل طالبان درآمده است. اما در هرج و مرج جاری در افغانستان، هنوز برای مقامهای امریکائی مشخص نیست که چقدر از این سلاحها و تجهیزات حالا در اختیار طالبان است و چقدر آنها در گوشه و کنار افغانستان در پایگاه ها و گداههای نظامی قرار دارند. همین مساله باعث نگرانی هایی در مورد ایجاد یک بازار اسلحه در منطقه و دسترسی گروههای شورشی و تروریستی به این تسلیحات پیشرفته شده است. بعضی مقامهای امریکایی همچنین نگران بهره گیری طالبان از این تجهیزات برای اقدامات خشونت آمیز هستند و یک نگرانی دیگر آنها هم دستیابی چین و روسیه به تسلیحات پیشرفته امریکائی است.

اکنون که قوای خارجی افغانستان را ترک کرده است، وظیفه طالبان است تا از موجودیت انواع مختلف سلاح های بازمانده از قوای خارجی معلومات دهند تا دیده شود که از جمله سلاح مذکور چه تعداد نزد آنها است و چه تعداد به جا های دیگر در داخل و خارج کشور انتقال یافته اند. گفته میشود یک قسمت سلاح ها چند روز قبل از سقوط کابل به دره پنجشیر منتقل شده بودند. علاوه بر بعضی عکسها و ویدیوها که اخیراً در رسانه ها جمعی به نشر رسیده نشان میدهد یک تعداد هاموی ها و وسایل نقلیه زرهی به لاریها بار شده و معلوم نیست به کدام طرف برده میشوند، به نظر بعضی ها بطرف پاکستان. علاوه بر اطلاعات تازه بعد از خروج قوای امریکائی از میدان هوائی کابل میسراند که طالبان با دیدن بعضی از طیاره ها و هلی کوپترهای غیرفعال و تخریب شده شکایت کرده و آنها را یکتو فریبکاری در برابر خویش میدانند.

### عکس العمل در امریکا:

جای شک نیست که مردم امریکا بطورکل از ادامه جنگ طی دو دهه در افغانستان با تلفات بیش از 2500 جوان و زخمی شدن تعداد کثیر عساکر امریکائی و صرف میلیاردها دلار در این مدت با ادامه جنگ موافق نبودند و اکثریت مردم پایان آنها به منافع ملی خود میدانستند. افغانها در راستای این همکاری از دولت و مردم امریکا مبنی بر حمایت ایشان کمال امتنان دارند و امریکا را یک کشور دوست خود می شمارند. امریکا بر طبق منافع ملی خود همانطوریکه بیست قبل به افغانستان قوا فرستاد و طالبان را سقوط داد، حق دارد یک روزی تصمیم به خروج قوای خود از آن کشور بگیرد و هیچکس حق ندارد مانع اینکار شود. ولی بسا نکات دیگر است که بعضی ها همکاری و کمک های امریکا را به افغانستان زیر بررسی منتقدانه قرار میدهد که بیشتر آن ناشی از نحوه اجرای نامناسب این کمک ها بر طبق مقتضیات افغانستان بود و اجرای آن از طرف امریکا توصیه و حتی دیکته شده بود و به همین دلیل بجای آنکه در بهبود اوضاع افغانستان منتج شوند، برعکس نتایج منفی را بار آوردند که منجر به بحران دوامدار در این کشور گردید که البته بحث بر جزئیات این موضوع ایجاب یک نوشته جداگانه را مینماید.

### حمایت از اشرف غنی:

در پایان این نوشته قابل ذکر میدانم که بعضی ها اینجانب را یکی از حامیان اشرف غنی می شمارند. در این ارتباط باید اذعان دارم که: با وجود شناخت بسیار مختصراً موصوف آنهم چهاردهه قبل از امروز، دیگر هیچگاه با اومستقیماً به تماس نبوده ام و شناخت من با او صرف از طریق بیانیته ها و علاقمندی او به افغانستان و آگاهی از بعضی نظریات مفید او بوده است. از ورای مطالعات خود میدانم که اشرف غنی یکی از مهمترین مهره های مورد اعتماد امریکا بود و در مسایل افغانستان از شروع جهاد تا سالهای بعد با مقامات امریکائی همکاری فعال داشته و در تدویر کنفرانس بن در سال 2001 در جوار زلمی خلیل زاد نقش مهم بازی کرده است. از آن به بعد در اداره کرزی به حیث آمر دفتر کمک ها و سپس به حیث وزیر مالیه ایفای وظیفه نمود و اما در سال 2005 روابط او با کرزی و خلیل زاد تاحدی دچار سکتگی شد و برطبق خواهش خودش از اشتراک فعال در امور دولتی فاصله گرفت و به حیث رئیس پوهنتون کابل مقرر شد. او در انتخابات ریاست جمهوری سال 2009 یکی از کاندید ها بود که موفق به اخذ 4 فیصد آراء گردید. پس از آنکه حامد کرزی در انتخابات پرجنجال ریاست جمهوری آن سال بقدرت رسید، زمانی بود که در امریکا او باما رئیس جمهور شد و ستاره بخت کرزی روبه افول گذاشت. خلیل زاد تلاش کرد تا اشرف غنی را به حیث رئیس اجرائیه در اداره کرزی بگمارد، ولی حامد کرزی آنها را قبول نکرد. سپس وقتی در سال 2011 او باما خواست مسئولیت های نظامی را از امریکا به نیروهای افغان انتقال دهد، اشرف غنی در راس امور این انتقال قرار گرفت. این ماموریت در حقیقت مرحله آغاز برای معرفت او با نیروهای نظامی و مردم در نقاط مختلف کشور گردید. اشرف غنی در این ماموریت به اطراف و اکناف کشور با پذیرائی های شاندار روی قالبین سرخ و قبول احترام گارد عسکری پذیرائی شد. این مرحله برای او موقعی بود که برای احراز مقام ریاست

د پانوی شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ

جمهوری آمادگی میگرفت، تا آنکه در انتخابات سال 2014 به این هدف رسید. ولی به بهانه تقلب، انتخابات به دوره دوم رفت که نه تنها معضله را حل نکرد بلکه آنرا بیشتر مغلق و پیچیده ساخت و با تهدید داکتر عبدالله رقیب انتخاباتی او وضع به سمت یک بحران سیاسی جدی کشانیده شد، تا اینکه آقای جان کری وزیر خارجه امریکا به کابل آمد و مغایر به قانون اساسی حکومت دو سره را برطبق یک توافقنامه بین اشرف غنی و عبدالله به میان آورد و مقام ریاست اجرائیه را به عبدالله سپرد. بحران رقابت ها در حکومت دوسره تا ختم آن دوره ادامه یافت و نظم اداری حکومت با سکتگی زیاد مواجه شد. با تأسف که اینکار برای بار دوم بطور بسیار افتضاح آمیز در انتخابات 2019 تکرار شد و این بار با وساطت خلیل زاد و فشارهای وارده از جانب پمپو وزیر خارجه آنوقت امریکا مقامات مهم حکومت با سهمیه 50 فیصد بین غنی و عبدالله تقسیم گردید و بر علاوه ریاست عمومی شورای عالی مصالحه ملی به داکتر عبدالله سپرده شد که در اثر این تقسیم رقابت جدی در بین این دو نفر باز هم به شدت بحران سیاسی در افغانستان افزود و در واقع اداره افغانستان به دو دست نا متجانس و متضاد سپرده شد که در نهایت به سقوط نظام بدست طالبان منجر گردید.

با ذکر این شرح مختصر فوق بر میگرددیم به اینکه اینجانب در انتخابات سالهای 2014 و 2019 بنا بر اهلیت نسبی اشرف غنی در بین سایر کاندیدها از طریق نوشته ها و تبصره های خود از او حمایت کردم، و اما وقتی در پایان انتخابات 2019 اشرف غنی بار دیگر زیر فشار اداره ترامپ بوسیله خلیل زاد حاضر شد تن به قبول دوباره حکومت دو سره دهد، من از حمایت اشرف غنی دست کشیدم و برایش در یکی از تبصره های خود در فیسبوک نوشتم که ادامه کار با موجودیت سهمیه بندی مقامهای در حکومت دو سره در نهایت برایش بدنامی تاریخی را بار می آورد و بهتر خواهد بود که او در برابر فشارهای وارده مقامات امریکائی مقاومت کند و اگر نتیجه ندهد، موقع مناسب است از ریاست جمهوری استعفی دهد و برای مردم افغانستان صراحتاً دلایل خود را در توضیح دهد و خود را معذور از ادامه کار بداند. اما چون اشرف غنی دل از مقام برداشت و باز هم به فشارهای وارده سر اطاعت گذاشت، اینجانب تصمیم گرفت تا از حمایت او قاطعانه دست بکشد و به طرفداری او دیگر ابراز نظر نکند. کاش اشرف غنی در آنوقت ملتفت این نکته می شد و با استعفی از مقام ریاست جمهوری یک نام تاریخی برای خود کمائی میکرد و از فرو رفتن در این مرداب بدنامی در آن موقع جلوگیری میکرد.

اینکه به اشرف غنی لقب دومین مغز متفکر جهان را دادند، بسیار مبالغ آمیز بود. با این لقب خواستند او را به حیث شخصیت بسیار بلند در جهان معرفی دارند و در قبال آن برایش شهرت جهانی کسب کنند. اما از این هم نمیتوان انکار کرد که او در بین رقبای قدرت در افغانستان واقعاً یک دانشمند و یک مغز متفکر بود که برای افغانستان نیات نیک در سر داشت و اگر دچار افتضاح حکومت دوسره نمی شد، میتوانست مصدر بسا کارهای مفید برای مردم و کشور شود. از این هم نمیتوان انکار کرد او دارای یک گرایش قومی پشتونی از همان ابتداء بود و چون به حیث یک شخص بدون پشتوانه خاص قومی و بدون منسوبیت به کدام جناح سیاسی بسوی کسب قدرت کشانیده شد، خواست برای خود در میان پشتونها جای پا پیدا کند تا به نحوی از حمایت آنها برخوردار شود. اینست که مخالفانش این میلان قومی او را تا سرحد اتهام فاشیستی تبلیغ کردند، در حالیکه موقف مخالفان قومی او عین خصوصیت را دارا بود، ولی هیچکس به آن اشاره فاشیستی نمیکرد. (پایان)

(این بود مختصری از نظر اینجانب پیرامون مسایل جاری کشور که قسماً در نوشته های قبلی اینجانب منتشره و بیسیایت وزین افغان جرمن آنلاین به نشر رسیده اند. ممکن است بعضی ها با نظر من موافق نباشند که حق شان است، ولی با احترام به نظر شان نمیخواهم به مباحثه مزید در زمینه با ایشان بپردازم. با ارادت داکتر کاظم)

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ